

**در میان کشورهایی که قدمت چشمگیری در زمینه نمایش عروسکی دارند
ایران جایگاه خاصی دارد؛ زیرا که از یک سو حلقه اتصال جغرافیایی محسوب می‌شود
و در رویداد کردن این تجربه بشری نقش واسطه را داشته و به دلیل حضور موثر در جاده
ابریش با چین در ارتباط بوده و می‌توانسته پذیرای نمایشگران عروسکی باشد**



بزرگ فعلی شبیه لباسی برای پوشیدن و ورود انسان به آنها بود. در نسخه اولیه عروسک‌ها کاهن یا رئیس قبیله داخلش می‌رفت و با صدا و حرکت سعی می‌کرد عروسک را زنده نشان دهد.

با گذشت مدت زمان کوتاهی بت پرستی به وجود آمد و رهبران مذهبی در آن دوره‌ها ماسک‌ها و اشکال متحرکی را به عنوان سمبل خدایان خود معرفی می‌کردند و با توجه به صفات مرموز آنها، مردم را به حال ترس و وحشت نگاه می‌داشتند تا قدرت و نفوذشان بین اقشار جامعه حفظ شود. نکته مهم این روش کاهنان این بود که اسرار ابهام‌آمیز عروسک‌ها را به شکل محرمانه حفظ کنند.

نمایش عروسکی

به طور دقیق مشخص نیست که نمایش عروسکی برای اولین بار در کدام نقطه از کره زمین به وجود آمده، اما آنچه مسلم است این که در دو کشور هند و چین نمایش عروسکی از قدیم رواج داشته و به شکل بسیار حرفه‌ای و باشکوه برگزار می‌شد. سنتی که حتی تا امروز هم وجود دارد و اگر کرونا نبود در جشن سال نوی چینی‌ها که اخیراً برگزار شد شاهد برگزاری نمایش‌های عروسکی بزرگی می‌بودیم. جالب است بدانید نمونه‌ای از اجرای نمایش عروسکی توسط هندی‌ها مربوط به بهرام گور می‌شود که در آن زمان حدود ۶۰۰۰ نوازنده و بازیگرد دوره‌گرد و کولی هند به ایران آمده بودند و طبعاً نمایش عروسکی نیز یکی از کارهای نمایشی آنها بوده است. فارغ از این نکات کتب اسنادی و تاریخی به طور دقیق نشان می‌دهد که هنر عروسکی از کشورهای شرقی مثل هند و چین به اروپا راه پیدا کرده و غربی‌ها از شرقی‌ها هنر عروسکی را آموخته‌اند. اولین تاریخ‌نگار و کتاب تاریخی که به هنر عروسکی اشاره کرده «گزنون» است که سال ۴۴۲ قبل از میلاد از خانه یک مرد آتنی به نام «کالیاس» دیدن کرد. او نوشته، میزبان برای سرگرمی مهمانش با تئاتر عروسکی یک گروه نمایش سیار را از شهر دیگری استخدام کرده بود.



پرونده امروز ما در مورد نمایش‌های عروسکی در تلویزیون و برنامه‌هایی است که از این فرم برای انتقال محتوایشان استفاده کردند. بهانه پرونده ما پخش «شوخی شوخی» از شبکه سوم سیما است. برنامه‌ای که عبدا... روا اجرای آن را برعهده دارد و با خیل زیادی از عروسک‌ها سعی می‌کند موضوعات اجتماعی و فرهنگی را در قالب طنز مطرح کند. محمد لقمانیان، عروسک‌ساز و عروسک‌گردان معروفی که سابقه همکاری در کلاه قرمزی و... دارد کارگردان این اثر است و عروسک‌ها نیز با توجه به نظر او طراحی و ساخته شده‌اند. با توجه به همه این نکات در این بخش از پرونده می‌خواهیم به تاریخچه ساخت عروسک و نمایش‌های عروسکی بپردازیم؛ چرا که ریشه همه این برنامه‌های عروسک‌محور در نمایش‌های عروسکی پیشینیان است که حالا در فرم تلویزیونی پخش می‌شود.

یوسف هاشمی
خبرنگار

قصه عروسک‌ها

هنر عروسک‌گردانی از هزاران سال پیش وجود داشته اما کسی نمی‌داند دقیقاً اولین بار در کجا و در چه زمانی عروسک‌ها ساخته یا در واقع اختراع شدند. تنها نکته مشخص این است ریشه اختراع آنها

به مقاصد مذهبی برمی‌گردد. در برخی منابع آمده رهبران قبیله‌هایی که مدعی قدرت‌های مافوق انسانی بودند اولین گروه‌هایی هستند که سراغ ساخت عروسک رفتند. این رهبران «شامان» نام داشتند و بر طبق شواهد به جا مانده در غارها،

صدای وحشتناک در می‌آوردند و با ماسک از آن خارج می‌شدند. مرحله بعدی ساخت عروسک برای زمانی است که شامان‌ها تصمیم گرفتند ماسک‌های متحرک بسازند و این گونه عروسک‌ها اختراع شدند. البته عروسک‌های آن دوره مثل برخی از عروسک‌ها

نظر بهروز غریب‌پور در مورد تاریخچه نمایش عروسکی در ایران

مالعبت‌کانیم و فلک لعبت‌باز

پیش از تاریخ و پس از آن نشان می‌دهد که پیکرهای کوچک نمادین در ایران زمین موارد استفاده گوناگون و از جمله وسیله بازی کودکان بوده‌اند. یافته‌های قبرهای کودکان این موضوع را تأیید می‌کند. مستندهای دیگر، نوشته‌ها و اشعارند. ممکن است که چنین تصور شود که قوه خیال شاعرانی چون خیام، حافظ و نظامی و دیگران واژگانی پدید آورده‌اند که مشابهتی به عروسک‌ها و نمایش عروسکی دارند. این مدعا صحیح نیست زیرا شاعری چون خیام در رباعیات خود چنان به وضوح آورد مثلاً:

مالعبت‌کانیم و فلک لعبت‌باز
از روی حقیقتی نه از روی مجاز
بازیچه همی کنیم بر نطع وجود
افتمیم به صندوق عدم یک‌یک باز

مدارک و شواهدی بدون شبهه از دوران صفوی، زندیه و قاجاریه هم در نوشته‌های واعظ‌کاشفی، خودچکو و دیگران هست که تردیدی باقی نمی‌گذارد تا مدعای من را به اثبات برساند. اما قوی‌ترین و نافذترین ادعا دیدن یک اجرای عروسکی به شیوه نخ‌یا خیمه‌شب‌بازی (= شاه سلیم بازی) است که هنوز هم بر خرد و کلان و بر مرد و زن تأثیر می‌گذارد.

افزود که سرزمین‌ها و فرهنگ‌ها به یک میزان در شکل بخشی به این نیاز سهیم نیستند؛ چین، هند، ایران، ژاپن، مالزی و... هرکدام سهم متفاوتی در تعمیق و گسترش این بیان انسانی داشته و دارند؛ چنان‌که سهم اروپا در نوین کردن نمایش عروسکی و بهره‌گیری از تمام این گذشته پرر بار را نمی‌توان هرگز نادیده گرفت.

در میان کشورهایی که قدمت چشمگیری در زمینه نمایش عروسکی دارند ایران جایگاه خاصی دارد؛ زیرا که از یک سو حلقه اتصال جغرافیایی محسوب می‌شود و در رویداد کردن این تجربه بشری نقش واسطه را داشته و به دلیل حضور موثر در جاده ابریشم با چین در ارتباط بوده و می‌توانسته پذیرای نمایشگران عروسکی باشد و از سوی دیگر نمایشگران عروسکی ایران امکان تردد به آن سوی مرزهای خودی را داشته‌اند.

اما چگونه می‌توان چنین ادعایی را به اثبات رساند؛ نمایش ماهیتی میرا دارد؛ به قولی در هر اجرا زنده می‌شود و پس از هر اجرا می‌میرد. اما عروسک‌ها نیز عمر چندانی ندارند و به مرور زمان از بین می‌روند. به هر حال عروسک‌های بازمانده از دوره

یونانی‌ها نمایش را شفا دهنده روان می‌دانستند و بی‌ارتباط نیست که بازی با اشیاء را شفا دهنده کودکان بینگاریم. بشر در لحظه‌ای از دوران زندگی‌اش این رابطه رمز‌آمیز و یکسویه را دوسویه کرد؛ عروسک را واسطه بازی نمایش خود قرار داد تا جادوی نهفته در شیء را رها سازد. از آن روز به بعد یعنی از هزاران سال پیش بشر یار همواره خویش را یافت؛ آتش می‌افروخت و با سایه‌هایش گفت‌وگو می‌کرد، عروسک می‌ساخت و به موجودات ریز و درشتش زندگی می‌بخشید و به تعبیری خدا انسان را آفرید و انسان عروسک را. پس لازم و درست نیست که جغرافیای خاصی را محل تولد نمایش عروسکی و عروسک بینگاریم. جغرافیای ذهن بشر، سیاره خلق این پدیده است و بس. اما بدون مکث باید این نکته را

